

## **ضرورت مبارزه برای تأمین اجتماعی همگانی!**

در ایران گرفتار آمده در مصیبت جمهوری اسلامی، نفس گیرترین و فلج کننده ترین مصیبت ها، فقر، نابرابری طبقاتی و بیکاری و بی پناهی است. به همین دلیل جنبش مبارزه برای تأمین اجتماعی تنها حرکتی است که می تواند بیشترین بخش جمعیت کشور را گرد هم بیاورد و آنها را به هم سرنوشتی طبقاتی و منافع مشترک شان آگاه سازد. حقیقت این است که در شرایط کنونی کشور ما، بدون خواست تأمین اجتماعی همگانی، بخش های مختلف کارگران و زحمتکشان ایران نمی توانند باهمدیگر گره بخورند و به تشکیلی مستقل و سراسری دست یابند. مبارزه برای سراسری شدن تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان به خواست مشترک، بی واسطه و قابل لمس برای همه زحمتکشان ایران نیاز دارد. این خواست مشترک و این پرچم متحد کننده، بی هیچ تردید، خواست تأمین اجتماعی همگانی است. برافراشتن این پرچم متحد کننده، البته به شناخت روشنی از موانع و همچنین شرایط مساعدی نیاز دارد که هم اکنون در برابر کارگران و زحمتکشان ایران قرار دارند:

۱ - از برکت جمهوری اسلامی، بخش اعظم کارگران و زحمتکشان ایران با قراردادهای موقتی و حتی غیر رسمی کار می کنند؛ غالباً در کارگاه های کوچک و پراکنده، در مشاغل خانگی، در کارهای فصلی و روزمزد؛ در دستفروشی و دوره گردی و در کارهای مزدی روستایی؛ و عموماً در شرایطی طاقت فرسا و غیر انسانی، بدون برخورداری از هر نوع حمایت قانونی و اجتماعی. همچنین بیکاری گسترده پیدا و پنهان بخش بزرگی از نیروی کار کشور ما را به بی پناهی ذلت باری محکوم می کند. آحاد این نیروی عظیم انسانی بدون آگاهی از سرنوشت و منافع مشترک شان و بدون عضله سازمانی و اراده توده ای نمی توانند شرایط کار و زندگی خود را بهبود بخشند؛ و بدون آنها، مبارزات حتی پیشرفته ترین کارگران و زحمتکشان ما نیز نمی تواند به پیشرفت قابل توجهی دست یابد. مبارزه برای تأمین اجتماعی همگانی می تواند همه این بخش های پراکنده را با هم پیوند بدهد.

۲ - بخش اعظم مشکلات اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان ما ناشی از عوامل کلان اقتصادی است که تا جمهوری اسلامی پابرجاست، همچنان با ما خواهند بود. بعلاوه هر بهبودی هم که در شرایط اقتصادی کشور به وجود بیاید، تغییر مهمی در شرایط فلاکت بار زندگی کارگران و زحمتکشان ایجاد نخواهد شد، زیرا همه جناح های جمهوری اسلامی، علیرغم همه اختلافات شان، رونق کار خود را در تشدید بهره کشی از نیروی کار کشور می بینند. بنابراین کارگران و زحمتکشان ایران نباید در انتظار "وعده های سرخرمن" مانند "اقتصاد مقاومتی" یا برداشته شدن تحریم های بین المللی و ایجاد رونق اقتصادی، فرصت های مبارزه برای خواست های شان از دست بدهند.

۳ - بی حقی عمومی مردم شرط حیاتی ادامه موجودیت جمهوری اسلامی است؛ بنابراین مبارزه برای تأمین اجتماعی نیز مانند هر مبارزه کلیدی دیگر برخاسته از پائین، مسلماً با بگیر و ببندها و سرکوب رژیم روبرو خواهد شد. در نتیجه، انتظار پیشروی آسان در این مبارزه نیز مانند هر مبارزه کلیدی طبقاتی، می تواند به سرخوردگی و ناامیدی بیانجامد. حقیقت این است که خواست تأمین اجتماعی همگانی، نه تنها در ایران گرفتار در چنگال استبداد مذهبی، بلکه در هر جای دیگر نیز، مهم تر از آن است که به آسانی دست یافتنی باشد. اما در عین حال، این خواست مهم تر و حیاتی تر از آن است که به "فردا" حواله شود.

۴ - مبارزه برای تأمین اجتماعی همگانی علاوه بر سرکوب جمهوری اسلامی، ناگزیر به رویارویی با بدیهیات و به اصطلاح "عقل سلیم" بورژوازی نیز کشیده خواهد شد. مخصوصاً گفته خواهد شد که برآورده شدن چنین خواستی، اقتصاد ورشکسته و نحیف ایران را ورشکسته تر و نحیف تر خواهد ساخت. اما حقیقت این است که خواست تأمین اجتماعی همگانی، خواستی است برای بیرون کشیدن اکثریت جمعیت کشور از جهنم در ماندگی و بی پناهی و نیز برای رهایی از اقتصاد انگلی و مافیایی جمهوری اسلامی. برای برآورده شدن چنین خواستی کافی است بخشی از ریخت و پاش ها و دزدی های نهادی شده در جمهوری اسلامی برچیده شوند و نهادهای تحت امر مستقیم و غیر مستقیم ولی فقیه مالیات پردازند. البته تردیدی نباید داشت که برآورده شدن چنین خواستی، به لحاظ سیاسی، در کائنات جمهوری اسلامی از محالات است، اما مبارزه بر چنین خواستی، وقتی توده گیر شود، مسلماً سلاح بسیار کارآمدی برای عقب راندن و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی خواهد بود.

۵ - جنبش مبارزه برای تأمین اجتماعی همگانی می تواند با بهره گیری از تنش های درونی جمهوری اسلامی، شرایط مساعدی برای توده ای کردن این خواست حیاتی به وجود بیاورد، به دو دلیل: یک - در شرایط کنونی که جنگ جناحی در درون جمهوری اسلامی شدت یافته و دستگاه ولایت و دار و دسته های تحت امر رهبر می کوشند خود را مدافع "مستضعفان" و "کوخ نشینان" جا بزنند، چنین مبارزه ای می تواند هم پژواک گسترده تری داشته باشد، هم مچ عوام فریبان و مفتخواران ولایی را باز کند و هم با طرح های نئولیبرال های اسلامی به مقابله برخیزد. دو - مقابله با این خواست برای "حکومت امام زمان" آسان نخواهد بود و حتی تناقضات درونی آن را تشدید خواهد کرد، زیرا تأمین اجتماعی به عنوان یک "حق همگانی" در قانون اساسی خود این رژیم (در اصل بیست و نهم) به رسمیت شناخته شده و جنبه های مختلف آن در اصل های بیست و نهم، سی ام و سی و یکم بیان شده است.